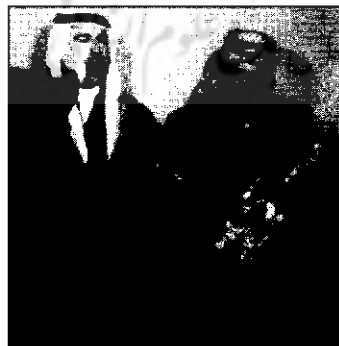


مقام در موسیقی عراق



لغت عربی مقام عموماً به معنای «مکان» و «جایگاه» به کار می‌رود. عبارت مقام در حوزه موسیقی به دو جنبه متفاوت از یک فرم موسیقایی دلالت دارد. یک معنا که در تمامی جهان عرب مشترک است و دیگری که خاص موسیقی عراق است. در سراسر جهان عرب، واژه مقام به تنالیده‌ها یا مایه‌های شرقی‌ای اشاره دارد که در متن آنها واریته متنوع و متعددی از موسیقی عرب با دامنه گسترده‌ای از «میکروتون» یا گوشه‌ها یافت می‌شود، فواصل موسیقایی‌ای که با فواصل موسیقی غربی تفاوت دارد. از این جنبه مقام عراقی معادل و هم‌ارز موقام در موسیقی ترکیه و آذربایجان، دستگاه در موسیقی ایران و مقام در موسیقی ازبکستان است. هم در نظام مدال موسیقی عرب و هم در گونه مقام در موسیقی عراق، بسیاری واژه فارسی و کردی شنیده می‌شود. هر مقامی با یک مود یا حالت حسی و عاطفی خاص پیوند دارد. جالب آنکه در فقه‌اللفه



نوشته: نیل وان در لیندن



شکل یافته‌اند. این سوئیت ساختار پایه‌ای دارد مشتمل بر چندین الگوی ریتمیک و ملودیک مشخص. مقام، آغازی رسیتاتیفوار دارد. سپس به یک پاره ریتمیک متمایز دیگر می‌رسد، این بخش کاملاً بر پایه ساختاری ملودیک و بداهه‌نوازیهای از پیش مشخص بنا شده است درست مثل «تم و واریاسیون» یا «دولوپمان» در الگوی غربی «سونات». مقام معمولاً با آوازی سبک به نام «پسته» (pesteh) پایان می‌یابد.

در «پسته» سازنوازان در نقش آوازه‌خوان نیز عمل می‌کنند. همین نکته به آوازه‌خوان اصلی گروه مجال آن می‌دهد تا پیش از شروع بخش بعدی نفسی تازه و گلویی صاف کند و در عین حال خود دعوتی است از مخاطب برای همراهی در کار آواز. بسیاری «پسته»ها خود در مقام قطعاتی مجزا

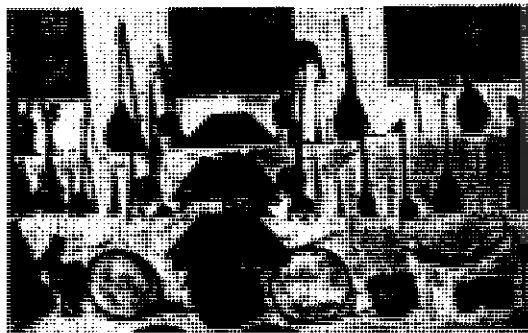
از محبوبیت خاصی برخوردار گشته‌اند. برخی آوازه‌خوانان مثل استاد بزرگ «ناظم الغزالی» و «سلیمه مراد» (این دوزن و شوهرند) عمدتاً پسته‌خوان‌اند. تبیین ساختار تکنیکی مقام ماهیت آن را تمام و کمال بر ما روشن نمی‌سازد، چه نوعی کیفیت «غیر مادی» در مقام عراق است که هر نوازنده عراقی سر آن دارد تا آن را جلوه بخشد و پُررنگ سازد. گامهای متفاوت مرتبط با مودهای متفاوت اساساً در قیاس با مودهای گام مازور و مینور به هنگام ترکیب با کوکهای مختلف موسیقی کلاسیک غرب، که وارسته وسیع مایه‌ها و لحنهای خود را از طریق هارمونی شکل می‌دهد، وارسته وسیع‌تری را رقم می‌زند. فی المثل مقام



زبان انگلیسی دو واژه «مد» (لحن) و «مود» (حال) هم‌ریشه‌اند و به همین ترتیب در زبان آلمانی و هلندی نیز عبارات «زیمونگ» و «زیمینگ» هر دو، هم به معنای مود هستند هم به معنای لحن و آهنگ و لغات انگلیسی هم‌خانواده و هم‌ریشه‌ای چون temper- و tempera- pered نیز هر یک به پدیده یا حال و حالتی موسیقایی اشاره دارند. موسیقی‌شناسان از



بیش از پنجاه مقام مختلف در موسیقی عراق نام برده‌اند و برخی با حسب شاخه‌های فرعی مقامها به عنوان گونه‌های مجزایی از مقام، شمار مقامهای عراقی را بیش از هفتاد می‌دانند. البته تمامی این مقامها از دل بیست مقام اصلی موسیقی عراق برآمده‌اند. هیچ مقام‌خوان عراقی‌ای نیست که هر مقامی را (بتواند) بخواند و حتی کار کشته‌ترین مقام‌خوانان نیز تنها در خواندن چند مقام مشخص تبحر ویژه دارند. افزون بر معنای کلی‌تر عبارت مقام یعنی همان موزیک ساوانته سنتی عراق عبارت مقام به نوع خاصی «سوئیت» اشاره دارد که از بداهه‌هایی تشکیل شده که بر پایه اصول و قواعد مشخص نواختن و زیباشناسی خاصی



این مقام را با ترجمه عربی همین شعر ترکی اجرا کرده است. تقریباً بیست مقام متمایز را می‌توان به خوبی بازساخت اما می‌توان این تعداد را به پنجاه تا هفتاد مقام افزایش داد.

پیوند مقام با اشکال موسیقایی دیگر

مقام عراقی به وصفی که رفت با دیگر اشکال موسیقایی جهان عرب تفاوت دارد و بیشتر به اشکال موسیقی سنتی ایران و ترکیه شبیه است. اما یک شکل موسیقایی دیگر در جهان عرب وجود دارد که شباهت نزدیکی به مقام عراقی می‌برد: «توبه» ترکیب فرمالیزه‌ای از مقام، ساختار تصنیفی و شعر که در تونس، الجزایر و مراکش دیده می‌شود. این پیوند از راه‌وردهای دوره خلفای عباسی است که در آن روزگار بغداد پایتخت امپراتوری عرب به شمار می‌رفته و تأثیر فرهنگی بغداد تمامی جهان عرب را تحت الشعاع خود داشته است.

«صبا»ی عراق از حیث گوشه‌های فرعی یا میکروتونهای خاص و زیبای خود زبانزد است. این مد موسیقایی، جلوه و حالی بسیار غمگسارانه دارد. مقام عراقی رابطه میان گام و مود را در وهله انتخاب متن (شعر) مورد مذاقه و مکاشفه قرار می‌دهد. صبا از زیباترین و محبوب‌ترین مقامهای موسیقی عراق است، اثری یکسر مالیخولیایی.

شگردهای اجرای مقام

در اجرای مقام تمامی تلاش و توجه معطوف بداهه است هر چند همان‌طور که پیش‌تر گفتیم چارچوبه‌های این بداهه‌سازیها کاملاً بر پایه قواعد و اصولی سنتی بنا شده است. کار نوازنده از حیث شیوه تقلید و اجرای آرایه‌ها و قواعد ملودیک و چگونگی به کار بستن خط ملودیهای بداهه در جهت معنا و فحوای متن، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. متون (اشعار) مقام عراق

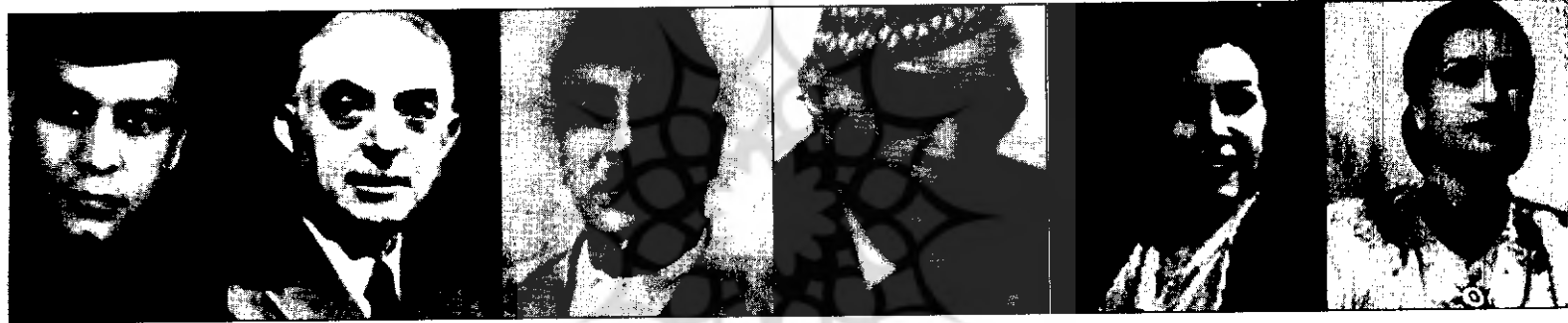


اغلب یا از اشعار کلاسیک عرب یا از اشعار شعرای کهن یا مدرن عرب هستند. این اشعار می‌تواند دامنه‌ای را در برگیرد از هجو آمیخته به حس‌آمیزیهای شعر «ابونواس» شاعر قرن هشتم میلادی و مالیخولیای شعر المتنبی و حلاج که هر دو تقریباً به سده دهم میلادی تعلق دارند، تا حس طغیان و شورش و بدبینی تلخ شاعر تبعیدی محمد مهدی الجواهری شاعر قرن بیستم و می‌تواند ترجمه‌ای باشد از شعر شاعران ایرانی مثل عمر خیام و حافظ که شعرای قرن یازدهم و دوازدهم میلادی هستند. جتی گاه چندین لهجه بومی و محلی نیز در نواهای مقام عراق شنیده می‌شود: فی‌المثل در آثار اخیر آوازخوان جوان «فریده محمدعلی» دو مقام که از اشعار سرایندگان ناشناس بهره می‌گیرند ابتدا به زبان عربی و سپس به لهجه‌ای بغدادی اجرا می‌شوند. البته زبان مقام عراق محدود به زبان عربی نیست. گاه اشعاری به زبانهای آرامی، عبری، ترکمنی، فارسی و ترکی استانبولی در این مقامها به گوش می‌رسد. یکی از مشهورترین مقامهای ترکی استانبولی، مقام تفلیسی‌ست. اثری از ساخته‌های «شیلتق» آهنگساز بزرگ قرن نوزدهم میلادی. نقل است که این مقام پیشکشی‌ست به جوانی که آهنگساز بدو دل بسته بود، اما دست روزگار جوانک را راهی تفلیس، تفلیس قدیم، یعنی گرجستان امروز، کرده بود. اجراهای ترکی استانبولی دو مقام‌نواز بزرگ قرن بیستم، محمد القینشی و یوسف عمر از این مقام، موجود است. اما اخیراً حمید السعدی

در تمامی نواحی دیگر جهان عرب نیز می‌توان عود (لوت) و قانون را در هیئت سازهای اصلی موسیقی سنتی عرب، در کنار ضربوک (طبل گلدانی)، دف، ریق (دایره زنگی، تمبورین) و احتمالاً نی (فلوت) و رباب و کمانچه، مشاهده کرد. آنسامبل مقام‌نوازان عراقی، لاقلاً آنسامبلی که در بغداد دیده می‌شود، که چلنی بغدادی نام دارد، از ساز قانون اصلاً استفاده نمی‌کند و گاه حتی ساز عود را هم در سازبندی خود به کار نمی‌گیرد و به جای این سازهای تیپیکال یا نمونه‌وار مقام عراق، ساز جوز (شکل محلی ایرانی ساز رباب، ویولن چارسیم گوشواره‌دار با کاسه‌ای از چوب نارگیل و پوست ماهی روی آن) و سنتور (نوعی زیتزر نظیر سیمبالون موسیقی مجار و موسیقی کولیان شرق اروپا، که در روزگار

ارشد دربار خلیفه هارون الرشید بود. سخن بر این است که زریاب اهل دیاری دیگر شاید ایران یا منطقه سند بوده است. تاریخ شفاهی نقل می‌کند که خلیفه چندان به زریاب روی خوش نشان داد که استاد وی بر او خشم گرفت و حسد برد و چنین به دسیسه زریاب به ناچار بغداد را به دیاری دیگر ترک گفت. ...در نهایت به اسپانیا می‌رود و در دربار قرطبه منطقه آندلس رحل اقامت می‌افکند و در آن دیار به شهرت زائد الوصفی دست می‌یابد. در آن روزگار مقام عراق به شکل امروزی آن وجود نداشت لیکن زریاب در بسط و گسترش اصول بنیادین مقام در جهان عرب، جد و جهد بسیار کرد. نقل بر این است که او نیز همچون موسیقیدان معاصرش «الکنزی» دسترسی خاصی به نظریات موسیقایی اواخر عهد باستان داشته است و آن نظریات را با تجربه‌های شخصی خود از اصول موسیقایی موسیقی درباری بغداد همراه کرده است. بدین ترتیب می‌توان

قدیم در جهان عرب، ایران و قفقاز نواخته می‌شده و کماکان در ایران نواخته می‌شود) به کار گرفته می‌شود. یکی دیگر از سازهای دیگر مقام عراق که در موسیقی سنتی دیگر بلاد عرب دیده نمی‌شود، ساز ناقاره است. دیگر سازهای چلغی بغدادی، ضربوک، دف، ریق و هر از گاه نی، هستند. مخصوصاً چلغی بغدادی با بهره‌گیری از صدای نافذ و گیرای سنتور، جوز و گاه ناقاره، صدایی شفاف و تقریباً فلزی را به گوش می‌رساند. نوای آثار چلغی بغدادی تمپویی آرام دارد، گاه از ریتم می‌افتد و گاه وقفه‌هایی کوتاه و گاه نامحسوس بدان کیفیت شبیه زاری و هق‌هق می‌بخشد. بهره‌گیری از سنتور در ایران نمونه روشنی است از پیوند عمیق میان نواحی پست بین النهرین و نواحی مرتفع ایران. در واقع بیابان وسیع غرب بین النهرین اغلب بیش از رشته‌کوه‌های شرق ایران، راه تبادل فرهنگ‌های کهن را سد می‌نموده است. مقام عراق



ریشه‌های مقام عراق را به خوبی در آثار زریاب پی‌جویی کرد. زریاب، عودنواز چیره دستی بود، آوازخوانی بی‌همتا و استاد آوازی بی‌بدیل.



مورخ بزرگ قرن هفدهم میلادی «المقاری» وصفی کامل از روشهای آوازی زریاب در کتاب «تاریخ اسپانیای مسلمان» آورده است و اصول و شگردهای موسیقایی به شکلی شفاهی و سینه‌به‌سینه از استاد به شاگرد منتقل می‌گشت و در این انتقال دستخوش تحول و توسعه وسیعی می‌گشت. بدین ترتیب سلسله‌ای از نوازندگان و موسیقی‌دانان به زمره سازندگان و پرورندگان مقامها پیوستند. از همین رو، نمایانند و تشریح نقش هر یک از این افراد در تحول و تکامل مقامهای عرب بسیار دشوار می‌نماید. اولین مقام‌نوازی که پس از زریاب چهره بنمود و آوازهای برجای نهاد موسیقی‌دانی از تبار ترکمن بود؛ رحمت الله شیلنق (۱۷۹۸-۱۸۷۲). برخی از تصانیف و ساخته‌های وی هم‌اکنون در دست است.

از شمال به شدت تحت تأثیر فرهنگ ترک و کرد بوده است این تأثیرپذیری در بهره‌گیری مقام عراق از اشعار ترکی در دوره عثمانی (نمونه‌ای که پیش‌تر آمد، مقام تفلیسی شلتق) کاملاً آشکار است. در اسامی خاص گوشه‌ها و مقامهای عراق بسیاری واژگان فارسی، کردی و ترکی نیز دیده می‌شود.

ریشه‌های تاریخی پیدایش مقام عراقی

ریشه‌های ساختارهای موسیقایی بنیادین مقامها را می‌توان دست کم در دوره عباسیان بازجست یعنی تا عصر امپراتوری عرب به پایتختی بغداد. یکی از چهره‌های درخشان موسیقی در عصر عباسیان را می‌توان زریاب (ابوالحسن علی ابن نافی) دانست. او از شاگردان استاد اسحاق الموصولی از نوازندگان

نوازندگان برجسته مقام در عصر مدرن

تأثیرگذارترین آوازه‌خوان یا مقام‌خوان قرن بیستم محمد القبنشی (۱۹۰۰-۸۹) بود. عمر بلند وی درازایی داشت از آخرین دهه سلطنت امپراتوری عثمانی تا سالی پیش از اولین آزمایش نسل جدید موشک‌های «تام هاوکس» آمریکا در آسمان عراق. در کار نوآورترین مقام‌خوان عراقی قرن بیستم، خط ملودیک اثر عمیقاً در جهت معنا و مفهوم شعر عمل می‌کرد. شگفتا که تنها دو لوح فشرده از آثار وی هم‌اکنون در دسترس عموم است. این دو لوح شامل اجرای کامل وی در کنگره موسیقی قاهره به سال ۱۹۳۲ (ضبط BBC) یعنی اولین جشنواره بین‌المللی موسیقی اعراب است. از نظر برخی محققان، این دو لوح بیانگر حقیقت موسیقی وی نیستند، چه حتی وقوع و بروز چند نقص فنی در مرحله ضبط و ویرایش قطعات به تمامیت این اثر لطمه جدی

به لحاظ شیوایی و تأثیرگذاری لحن آواز، از استاد خود پیشی جسته است، هر چند که از منظر نوآوری‌های سبکی همواره به دست‌آوردهای کار استادش توسل جسته است. موسیقی پژوه شهیر عراقی، شهرزاد قسیم حسن، برگزیده‌ای از مقام‌خوانی‌های عمر را که در اواخر عمر وی ضبط شده‌اند به صورت لوح فشرده گرد آورده و منتشر ساخته است.

ناظم الغزالی (۱۹۲۰-۶۳) نیز از شاگردان القبنشی بود، او را بیشتر به خاطر اجراهای زیبایش از قطعات موسوم به پسته می‌شناسند. از نگاه برخی کارشناسان صدای زیبا و دلنشین وی زیباترین صدای این حوزه از موسیقی عرب است. شاید همین زیبایی صدا در کنار زیبایی سیمای جذابش بود که باعث شد او تنها مقام‌خوان عراقی باشد که خارج از مرزهای عراق در اقصی نقاط جهان نیز او را به خوبی بشناسند و بستایند.



دیگر مکتب «مقام» خوانی بزرگ موسیقی قرن بیستم عراق به رهبری رشید القندرشی (۱۸۸۷-۱۹۴۵) شکل گرفت. در سبک قندرشی خطوط ملودیک موسیقی و تسلط در اجرای آواز، مثل اجرای یک قطعه «بل کانتو»، از اهمیت بالایی برخوردار است. نجم‌الشیخلی (۱۸۹۳-۱۹۳۸)، سلیم شیبت (متولد ۱۹۰۸) و حسن چوکه (۱۹۱۲-۶۲) از دیگر اخلاف بنام و شهیر این مکتب آوازی به شمار می‌روند.

از دیگر مقام‌خوانان بزرگ عراقی می‌توان به مولا عثمان موصولی (۱۸۵۴-۱۹۲۳)، احمد زیدان (۱۹۱۴-۱۸۴۹)، یوسف حریش (۱۸۸۹-۱۹۷۵)، فلفل الیاس گرجی (مرگ ۱۹۸۳)، محمود الخياط (۱۸۷۲-۱۹۲۶)، سلمان موشه (۱۸۸۰-۱۹۵۵) و حسن داود، یعقوب العمري، عبدالرحمان غلد، حمزه سعداوی، جمیل و بلدالادهمی و حسین الادهمی و حمید السعدی و فریده محمدعلی اشاره کرد.

محل اجرای مقام

یکی از شاخصهای مقام نو از موسیقی درباری آن است که مقام اغلب در خلال محافل ادبی و کنسرت‌های ویژه و در خانه‌های مردمان طبقه متوسط عراق اجرا می‌شود. البته قطعاتی نیز در اعیاد و جشنهای مذهبی اجرا می‌گردد که بدان «مولودی» می‌گویند مثل مولودی خوانیهای جشن میلاد مسعود پیامبر اسلام و مولودی خوانی رایج در مراسم عروسی و تولد. یکی دیگر از محافل اجرای مقام، زورخانه است؛ یک آیین ورزشی متعلق



وارد ساخته است. با این حال، این دو لوح تنها گواه قدرت هنری القبنشی هستند که یک مخاطب غربی می‌تواند بدان دست یابد، هر چند از کاستهای موجود در عراق و از مواد آرشیوی می‌توان برداشت کامل‌تری از کارنامه وسیع کاری وی استنباط کرد. یوسف عمر (۱۹۱۸-۸۷) نیز از شاگردان القبنشی بود. از نگاه برخی یوسف عمر در مقام خواننده هم به لحاظ تکنیکی و هم

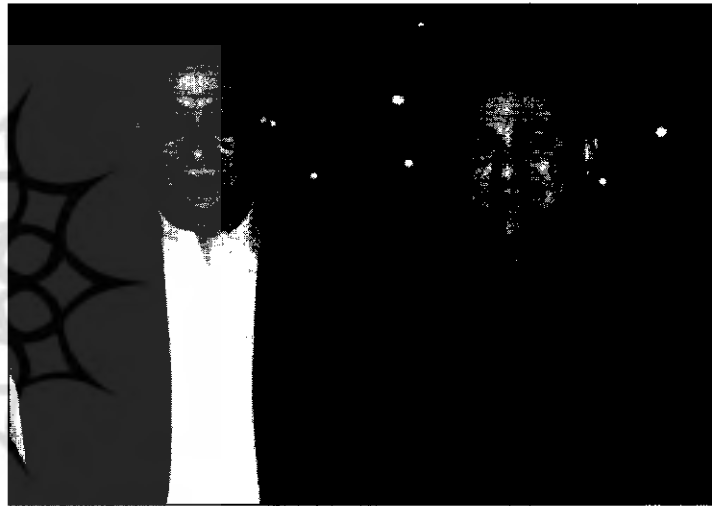
نابغه و استاد بزرگ کنسرواتور بغداد، منیر بشیر، در همین سالها به یکی از بتهای موسیقی عراق بدل گشت. او ستاره همیشه‌گی برنامه‌های رادیویی بود و اغلب در جشنواره‌های بین‌المللی شرکت می‌کرد و حتی توانست پیش از آنکه عراق را به سال ۱۹۹۳ ترک گوید، جشنواره مشهور بابل را نیز راه‌اندازی نماید. لیکن اوضاع موسیقی پس از جنگ خلیج فارس تیره و تار گشت و مقام در رقابت با دیگر اشکال موسیقی پاپ وارداتی از ممالک غربی و عرب، رفته‌رفته به حاشیه رفت. امروز تنها حسین الادهمی، حمید السعدی و فریده محمودعلی، واپسین بازماندگان تبار اصیل مقام‌خوانان‌اند. امروزه دیگر مقام صرفاً به موضوع کرسی موسیقی‌شناسی دانشگاه‌های غربی بدل شده و از تحول و بسط ضروری و حیاتی خود وامانده است. با این حال و روز مقام عراقی به نسبت موسیقی سنتی



مصر، از وضعیت بهتری برخوردار است. در مصر و از پی مرگ صداهای جاودانی چون ام کلثوم، فتحیه احمد، فرید العطرش و محمد عبدالوهاب، موسیقی سنتی مصر عمیقاً در معرض خطر انقراض است درست مثل انقراض گونه‌های نادر که در خرده‌بومها و خرده‌اقلیمها زیست می‌کنند. اما در عراق فریده محمدعلی، حمید السعدی و حسین الادهمی می‌کوشند تا مقام عراقی را کماکان زنده و سر پا نگه دارند. در شرایط بهتر حتی شاید بتوانند سنت مقام را از نو متولد سازند. فی‌المثل آوازه‌خوانی جوان به نام جمال عبدالناصر که از ذوق و استعداد ویژه‌ای برخوردار است تحت نظارت و تعلیم نوازنده بزرگ سلیم حسین قرار گرفته است و نوید آینده‌ای روشن در مقام‌خوانی عراق است و انگهی، کاظم ساحر آوازه‌خوان مشهور جهان عرب و از دانش‌آموختگان کنسرواتور بغداد نیز با گنجاندن گوشه‌ها و مایه‌های مقام عراقی در آثار خود به سبک تلفیقی خاصی دست یافته است که به بقای مقام عراقی یاری بسیار می‌رساند.

"Classical Iraqi maqam and its survival" by neil van der Linden in "colors of Enchantment" Edited by sherifa Zuhur, American univ in cairo press.

به آیین تصوف. بسیاری از مقام‌نوازان به حرف غیر موسیقایی مشغول‌اند. محمود الخیاط، رئیس اتحادیه خیاطان عراق است. رشید القنדרشی کفاش است و نام خانوادگی وی به معنای کفاش است. حسن داوود، قصاب است. از این لحاظ مقام را می‌توان با سنت موسیقی «میت سینگر» در موسیقی قرون وسطای آلمان مقایسه کرد. بسیاری از اجراهای موسیقایی مقام در دکانها و کارگاههای همین اساتید برگزار می‌شده است. بعدها، کنسرتها و اجراهای رادیویی نقش عظیمی در گسترش محبوبیت مقام در میان مردم عراق ایفا نمودند. پس از رادیو نیز گرامافون چنین نقشی را بر عهده گرفت. رادیو همچنین پخش قطعات مختلف را با طول زمانی بسیار بلند میسر ساخت. محبوبیت پسته و پسته‌خوانانی چون ناظم الغزالی و سلیمه مراد مشخصاً تحت تأثیر ظهور صفحات گرامافون ۴۵ دور محقق گشت. یک مقام کامل



را نمی‌شد در یک صفحه ۴۵ دور ضبط و ثبت نمود لیکن این مدیوم، مدیومی مناسب برای ضبط قطعات پسته به شمار می‌آمد. لیکن ظهور دستگاه ضبط و پخش صوت چنان دسترسی به این آثار را سهل الوصول ساخت که امروزه می‌توان در اکثر خانه‌های مردم عراق نواریابی از یوسف عمر و القبنشی را جست و شنید.

وضعیت کنونی موسیقی در عراق

از همان روزگار استبداد و موناشری تا کنون تمامی نظامهای حکومتی عراق به شدت به حمایت از موسیقی پرداخته‌اند. فی‌المثل، نوری سعید (۱۸۸۸-۱۹۵۸)، نخست‌وزیر شاه فیصل و شاه قاضی، از بزرگ‌ترین حامیان موسیقی در عراق به شمار می‌آمد. نوری سعید با تمامی نوازندگان برجسته عصر خود دوست بود. در خانه تمامی عشاق موسیقی در عراق می‌توان عکسهایی از سعید را در کنار گروه نوازندگان محمد القبنشی یا در کنار ام کلثوم، در خلال سفرش به عراق در دهه ۱۹۳۰، یافت. از زمان انقلاب جمهوری خواهی در ۱۹۵۸ تا جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰، تمامی رژیمهای عراق کم و بیش به حمایت از موسیقی ملی عراق پرداخته‌اند. فی‌المثل، عودنواز